بررسی آثار اعتبارات خرد* در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی

علی حسن‌زاده**

علاءالدین ازوجی***

صالح قویدل****

چکیده

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، اعطای اعتبارات خرد (تأمین مالی خرد) راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی، و جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است و برخی کشورها در این زمینه به توفیق‌های چشمگیری دست یافتند. چنین تجربه‌ای در کشورهای گوناگون بیانگر اثر این نوع اعتبارات و تسهیلات بر کاهش نابرابری‌ها و فقر از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی جدید است. در این مطالعه، ضمن تعاریف متفاوت اعتبارات خُرد و همچنین ارتباط میان آن و کاهش فقر و نابرابری‌ها، تأثیر اعتبارات خُرد اعطایی در سال‌های اخیر بر کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه بین استان‌های کشور بررسی شده است. روش مورد استفاده، مدل ادغام داده‌ها (پانل دیتا) در ۲۸ استان کشور و برای سال‌های ۸۲ - ۱۳۸۰ بوده که با استفاده از متغیر نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات (به‌صورت جایگزین متغیر اعتبارات خُرد)، تأثیر این

---

* Micro credit.

** عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
*** کارشناس دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
**** دانشجوی دوره دکتری و عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه.

متغیر بر درآمد سرانه (به‌صورت شاخص کاهش نابرابری‌ها و فقر) نشان داده شده است. نتایج مدل، بیانگر این است که اعتبارات خُرد در صورتی می‌تواند به کاهش فقر بینجامد که اولاً طبقات گوناگون فقر شناسایی؛ و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال باشد. به‌عبارتی کاهش فقر از طریق اعطای اعتبارات خُرد فقط از طریق ایجاد اشتغال و برابری فرصت‌های شغلی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: *اعتبارات خُرد، کاهش فقر، ایران، اشتغال و نابرابری درآمدی.*

مقدمه

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها، تأمین مالی خرد و کوچک؛ راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی و کاهش فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است؛ به‌طوری که برخی کشورها در این زمینه به توفیق‌های چشمگیری دست یافته‌اند. در اقتصاد ایران، اعطای وام‌های خرد و خود اشتغالی از راه‌های گوناگون و از جانب نظام بانکی و برخی نهادهای رسمی و غیررسمی پرداخت می‌شود. بررسی‌ها و نتایج برخی مطالعات، بیانگر توفیق برخی از این نوع طرح‌ها است و برخی نیز به عدم توفیق آن‌ها اشاره دارد. با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله در ارزیابی آثار تأمین مالی خرد بر کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی می‌کوشد؛ از این جهت بعد از اشاره به مبانی نظری موضوع و ارتباط میان سه مقوله اعتبارت خرد، کاهش فقر و برابری فرصت‌ها، به اختصار به مطالعات انجام‌شده درباره این موضوع خواهیم پرداخت. تجربه برخی کشورها در اجرای برنامه تأمین مالی خرد شامل نکاتی ارزنده است که قسمت بعدی این مقاله را تشکیل خواهد داد. در ادامه به ارائه مدل در شکل پانل دیتا برای ۲۸ استان کشور و تحلیل آن خواهیم پرداخت. سرانجام به استناد نتایج مدل و سایر مطالعات و تجربه‌های دیگر کشورها، چارچوبی برای برنامه توسعه اعتبارات خرد با هدف کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی از راه ایجاد فرصت‌های شغلی ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

مفهوم اعتبارات خرد و ویژگی‌های آن

درباره تأمین مالی خرد (Microfinance) تعاریف گوناگونی از طرف اندیشه‌وران و

سازمان‌های بین‌المللی ارائه شده که همگی نشان می‌دهد پرداخت این نوع از اعتبارات با اهداف خاصی از طرف دولت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسه‌های تأمین مالی و ... انجام می‌شود.

بانک جهانی (۲۰۰۰) هدف از اعطای اعتبارات به روستاییان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال، درآمد، پایداری زیست محیطی و فراهم‌کردن زمینه رفاه و بهزیستی روستاییان می‌داند (ESCAP), 1996-PP.2-3)).* صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی نیز انگیزه اعطای اعتبارات به روستاییان را که از طریق بسیج منابع و دانش به مثابه ابزاری راهبردی و مکمل و ائتلاف پویای روستاییان، دولت ، مؤسسه‌های توسعه و اعتبار، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی اجرا می‌شود را به شرح ذیل بیان می‌کند(IFAD), 2003)):**

أ. تحرک اجتماعی، بالابردن آگاهی‌ها، آموزش و قدرت‌دهی به فقیران؛

ب. افزایش اعتماد به نفس فقیران، ظرفیت‌سازی‌های محلی و ...؛

ج. فراهم‌سازی زمینه کار گروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت تولید محلی.

کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل (اسکاپ) هدف از اعطای اعتبارات خرد به روستاییان را فقرزدایی، ایجاد اشتغال، درآمدزایی، توسعه اجتماعی و ترویج و آموزش کشاورزی، افزایش خودکفایی و حفظ عزت نفس روستاییان می‌داند (ESCAP,1996, P.13) بانک توسعه آسیا (Asia Development Bank, 2000) نیز تأمین مالی خرد را فراهم‌سازی دامنه گسترده‌ای از خدمات مالی مانند سپرده‌ها، وام‌ها، خدمات پرداختی، انتقال پول و بیمه برای فقیران و خانوارهای کم درآمد و بنگاه‌های کوچک آن‌ها تعریف کرده است که این خدمات از طریق سه مجرای ذیل جریان می‌یابد:

نهادهای رسمی مانند بانک‌های روستایی و تعاونی‌ها؛

نهادهای نیمه‌رسمی مانند سازمان‌های غیردولتی (NGOS)؛

منابع غیررسمی مانند وام‌دهندگان و مغازه‌داران.

در تأمین مالی خرد نهادی، خدمات مالی خرد از طریق هر دو نهاد رسمی و نیمه‌رسمی مذکور جریان می‌یابد. هر چند مؤسسه‌های تأمین مالی خرد (MFI) از لحاظ اندازه بنگاه‌ها، مؤسسه‌های بزرگی هستند، خدمات مالی و اعتباری خرد را برای افراد تحت پوشش که به‌طور عمده فقیر و کم درآمد هستند، ارائه می‌کنند.

* Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.

** International Fund for Agricu Ltural Development.

ضمن این‌که این سازمان‌ها و نهادها در تأمین اعتبارات خرد و یا با مشارکت در این نوع طرح‌ها همکاری‌های لازم برای توسعه کشاورزی نقش ایفا کردند؛ به‌طوری که این اقدام‌ها به تقویت ساختار سازمانی برای نیل به مسؤولیت‌پذیری و مشارکت فعال جوامع محلی در اداره منابع انجامید (Everedilek, 2002).

در این شیوه تأمین مالی مؤسسه‌های مربوط به اعطای اعتبارات در مقیاس خرد و به شکل پایدار فعالند؛ به‌طوری که در برنامه‌های تأمین مالی خرد، افزون بر عرضه و توزیع وام‌های کوچک، پذیرش پس‌اندازها و سپرده‌های کوچک نیز وجود دارد. در برخی از برنامه‌های تأمین مالی خرد، خدمات بیمه‌ای برای هموارکردن ریسک در زندگی فقیران و افراد کم درآمد ارائه می‌شود. برنامه‌های تأمین مالی خرد به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که توان پاسخگویی به نیازهای گوناگون را داشته باشند؛ به‌طور نمونه در سطح روستا فعالیت‌های زراعی به تنهایی برای تأمین مالی معیشت خانواده کافی نیست و فعالیت‌هایی چون دامداری، صنایع دستی و مانند آن نیز برای تأمین درآمد انجام می‌گیرد. بدین ترتیب، برنامه‌های تأمین مالی خرد باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که انواع این فعالیت‌ها را پوشش دهند.

نهادهای مالی خرد به‌گونه‌ای عملیات خود را طراحی و اجرا می‌کنند که بتوانند هزینه‌های اداری و عملیاتی خود را بدون یاری‌جستن از یارانه‌ها و کمک‌های بیرونی تأمین کنند. در صورت ضرورت می‌توان از کمک‌های بیرونی هم استفاده کرد؛ اما این کمک‌ها باید جنبه موقتی و گذرا داشته باشند؛ یعنی به‌گونه‌ای باشند که نهادهای مذکور بتوانند در مدّت معیّنی به سوددهی برسند و با انباشت سود، منافع مالی جدید به وجود آورند.

از جمله عواملی که باعث سوددهی نهاد مالی می‌شود، نرخ سود و نرخ بازپرداخت وام و هزینه‌های عملیاتی است. نرخ سودی که این مؤسسه‌ها دریافت می‌کنند، به‌طور معمول بالاتر از نرخ سودی است که دیگر مؤسسه‌های تجاری و بانک‌ها دریافت می‌کنند؛ البته وام‌گیرندگان از این شیوه راضی هستند. آن‌ها فرصت دریافت اعتبار و وام با شرایط بهتر را از سوی دیگر مؤسسه‌ها ندارند. از سویی، نرخ سود باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که افزون بر پوشش هزینه‌های وامدهی و بازپرداخت نشدن، سود معقولی نیز برای

نهاد مالی داشته باشد.

بدین ترتیب، تأمین مالی خرد، شیوه‌ای از تأمین مالی است که همواره از آن به‌صورت ابزاری برای مبارزه با فقر و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نام برده می‌شود. در این شیوه، افراد فقیر تأمین مالی می‌شوند تا بتوانند درآمد مختصر خود را افزایش دهند و امنیت مالی بیشتری برای خانواده‌هایشان فراهم سازند. با توجه به این‌که این شیوه تأمین مالی به منظور فقرزدایی صورت می‌گیرد، شرایطی متفاوت از شرایط تأمین مالی موجود، شیوه‌های دیگر را می‌طلبد.

تعاملات بین اعتبارات خرد، فقرزدایی و برابری اجتماعی

روشن است که برقراری عدالت اجتماعی از راه کاهش نابرابری های مادی و توزیع متعادل درآمدها صورت می‌گیرد. کاهش نابرابری‌ها و توزیع عادلانه‌تر درآمدها از راه سازوکارهای مناسب در سطح کلان اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد. سیاست‌های مناسب در دستیابی به عدالت اجتماعی براساس جریان وابسته‌ای که کلیه محورها و موضوعات با هم ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارند، تحقق اهداف را نزدیک‌تر خواهد ساخت. نکته این‌جا است که در جهت توزیع متعادل‌تر درآمد، همواره مناطق و نواحی گوناگون یا افراد جامعه یکسان بهره‌مند نمی‌شوند و این باعث خواهد شد که دستیابی به عدالت اجتماعی با وقفه طولانی‌تر امکان‌پذیر شود. چنانچه مناطق روستایی و افراد کم درآمد و فقیر در این فرایند از بهره‌مندی کافی برخوردار باشند می‌توان ادعا کرد که تحقق عدالت اجتماعی هموارتر شده است.

در مباحث عدالت اجتماعی مطرح است که برابری فرصت‌ها نقش مهمی در تحقق کاهش ناعادلانه امکانات خواهد داشت. از جمله ابزارهای تحقق این رسالت برای گروه‌های خاص جامعه (گروه‌های کم درآمد و فقیر) که همواره دولت‌ها بر آن تأکید دارند، برنامه‌های اعتبارات خرد است. این برنامه‌ها با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش بیکاری و به وجود آوردن اشتغال به‌صورت خوداشتغالی و کارآفرینی، محو نابرابری‌های اجتماعی و کاهش فقر در مناطق شهری و روستایی و همچنین افزایش مشارکت زنان در بازار کار در بسیاری از کشورهای دنیا اتخاذ شده است و به همین منظور مؤسسات تأمین

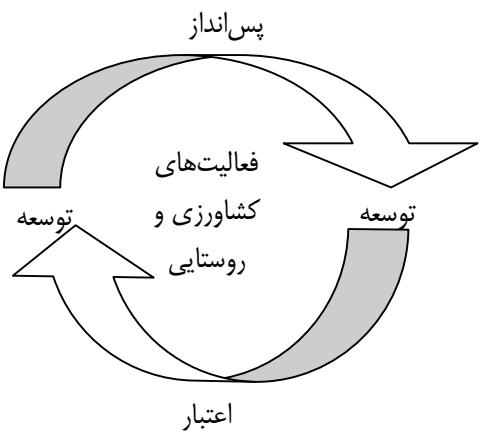
مالی خرد پدید آمدند. این مؤسسه‌ها حدود ۱۰ میلیون خانوار در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را پوشش می‌دهند ((GomeZ.R and Senator.E (2003). این اعتبارات با میزان وام‌های کوچک می‌توانند باعث پدید آمدن فعالیت کوچک و جدید در روستا به‌وسیله زن روستایی یا در شهر به‌وسیله شهروند شوند و از این راه ضمن پدید آمدن اشتغال برای دریافت‌کننده تسهیلات موردنظر، وضعیت اقتصادی خانوار را با توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌انداز افراد متحول سازد؛ پس این سیاست، کاهش فقر و کاهش نابرابری‌ها را به همراه دارد.

نکته اصلی این است که در برنامه اعتبارات خرد، موضوع اشتغال و کاهش فقر اهمیت به‌سزایی دارد. تخصیص اعتبارات خرد با سازوکار مشخص، برای پدید آوردن یک واحد کسب‌وکار کوچک جدید یا توسعه آن است که در حالت اوّل، تأمین سرمایه ثابت و در نتیجه پدید آوردن حداقل یک فرصت شغلی برای گرداننده واحد موردنظر و در حالت دوم تأمین سرمایه در گردش و کاهش هزینه تولید را به دنبال دارد.

نکته بعدی، گروه‌های هدف این نوع اعتبارات، است که افراد و خانواده‌های فقیر و کم درآمد و همچنین زنان روستایی را شامل می‌شود. با توجه به گروه‌های درآمدی، نخستین مسأله‌ای که باید به آن توجه کرد، چگونگی پدید آوردن کسب‌وکار جدید یا توسعه آن به‌وسیله این گروه خاص است. به همین منظور مشکلات گرفتن وام، وثیقه و بازپرداخت وام اعطایی از یک طرف، سازوکارها و حمایت‌های اجتماعی به‌صورت مکمل حمایت‌های مالی و از طرف دیگر سازوکارهای ایجاد گروه‌های دو یا چند نفری و ... را پیشنهاد می‌کنند؛ در نتیجه، نوعی نظارت خودکار برای نزدیک‌تر شدن به هدف این اعتبارات شمرده می‌شود که از اعطای تسهیلات بانک‌های تجاری در قالب قراردادهای گوناگون فراتر است. بدین ترتیب باید گفت که تأمین مالی خرد از یک طرف، خدمات اجتماعی و مالی را فراهم می‌کند که به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد و از طرف دیگر به‌کارگیری شیوه‌های مناسب آن و نظارت قوی باعث می‌شود اثربخشی آن در کاهش فقر و محرومیت‌های اجتماعی بیشتر شود؛ بنابراین ارائه اعتبار خرد به شاغلان و کشاورزان روستایی به‌صورت راهبرد می‌تواند به فرایند فقرزدایی و توسعه همه‌جانبه

روستایی بینجامد.

نمودار أ: رابطه بین اعتبار و پس‌انداز در چرخه منابع مالی توسعه روستایی



Source: Seibel (2001)

مروری بر مطالعات انجام‌شده

هر چند ادبیات مربوط به تأمین مالی خُرد محدود است، در عین حال، مطالعاتی با هدف بررسی ارزیابی عملکرد و اثربخشی اعتبارات خُرد در کاهش بیکاری و فقر انجام شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

گومز و سانتور (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به مقایسه عملکرد اعتبارات خرد به‌صورت انفرادی و گروهی با استفاده از دو مؤسسه بزرگ مالی که فعالیت پرداخت اعتبارات خرد در کانادا را برعهده دارند، در قالب الگوی اقتصادسنجی پرداخته و نشان داده‌اند که عملکرد وام‌های گروهی بهتر از وام‌های انفرادی است؛ زیرا در وام‌های گروهی، نظارت در خود گروه انجام گرفته، تحت کنترل هستند؛ پس وام گروهی همانند عناصر ازدواج، تحصیلات دانشگاهی، آموزش‌های مهارتی و در یک محله زندگی‌کردن (استقرار ثابت داشتن) وام‌گیرنده، در بازپرداخت اعتبارات اثر مثبت دارد و این بیانگر نقش مؤلفه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی در افزایش کارایی مؤسسه‌های اعتبارات خرد و ارتباط آن‌ها با افراد وام‌گیرنده است.

لاویر (Lavoie, Mylene, 2002) در مقاله «زنان و اعتبارات خرد در ویتنام» نشان می‌دهد که برنامه‌های اعتبارات خرد باید با هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر همراه باشد، نه این‌که وابستگی به اعتبارات را بیشتر کند که این شرایط ممکن است به‌ویژه برای افراد فاقد سرمایه خطرناک باشد.

اسچرنیر(Schreiner, Mark, 1999) در مقاله‌ای این‌طور مطرح می‌کند که تأمین مالی خرد ابزار قوی برای کمک به افراد خیلی فقیرتر شمرده نمی‌شود؛ به‌ویژه آن‌که این ابزار به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر اعطای وام تأکید داشته باشد.

مطالعه مکل ساس (Maclsaac, Norman, 1997) به این اشاره دارد که فقیرترین افراد جامعه به‌ندرت منافعی از اعتبارات خرد را می‌برند؛ در حالی که نفع گروه‌های فقیر با درآمد بالاتر و متوسط از این اعتبارات بسیار بالاتر است. این مقاله سه نکته کلیدی را مطرح می‌کند: اوّل، اعطای اعتبارات خرد و اثرگذاری قوی آن بر کاهش فقر باید با دیگر برنامه‌های فقرزدایی ترکیب شود. دوم، اعتبارات خرد کنار دیگر خدمات مالی منافعی را برای فقیران و زنان همراه دارد که از آن به‌صورت ابزاری نه‌تنها برای ارتقای سطح درآمدی، بلکه نوعی حمایت درآمدی نیز شمرده می‌شود. سوم، در برایند اثرگذاری قوی اعتبارات خرد باید محدودیت‌هایی را شناسایی، و برنامه‌های اعتبارت خرد به‌ویژه برای زنان فقیر را از این محدودیت‌ها مستثنا کنیم. به‌طور کلّی این مطالعه نشان می‌دهد که برنامه‌های اعتبارات خرد نتایج مثبتی برای گروه فراوانی از فقیران و زنان را در پی داشته است.

همچنین مطالعاتی در مورد وام‌های گروهی انجام شده که می‌توان به مطالعات آهلین و تاون سند (Townsend and Ahlin, 2003) اشاره کرد که در آن، آثار نرخ بهره، اندازه وام و وضعیت افراد یک گروه بر چگونگی عملکرد گروهی و توفیق آن‌ها در بازپرداخت وام بررسی شده است. همچنین کارلن (Karlan, 2003) نیز اشاره دارد که بالابودن سطح سرمایه اجتماعی اثر مثبتی بر بازپرداخت وام در جامعه دارد و در جوامعی که دارای سرمایه اجتماعی بالایی هستند، اتخاذ برنامه‌های وام‌های گروهی برای افراد کم درآمد با هدف ایجاد اشتغال و کاهش فقر پیشنهاد شده است. ویدیک (wydick, 1999) نیز اعتقاد دارد که برخی از معیارهای محیطی در یک گروه مانند زندگی اعضای گروه در یک محله یا در

همسایگی یک‌دیگر به مراتب می‌تواند مشکلاتی را که وام‌های انفرادی دارند حلّ کند.

در مطالعات داخلی، حسن‌زاده و قویدل (۱۳۸٤) در بررسی چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران به مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش پرداختند. در این مطالعه، نسبت‌های نفوذپذیری، خودکفایی مالی، ارزش سپرده به وام‌ها، ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی و ارزش افزوده به تعداد کارکنان در مؤسسه یاد شده مقایسه شده است. مقایسه این صندوق‌ها با بانک یاد شده به‌صورت یک نهاد مالی موفق نشان می‌دهد که صندوق‌های قرض‌الحسنه در مواردی بسیار ضعیف‌تر از گرامین بانک عمل کرده است و به‌طور کلّی صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌رغم ماهیت مجددی آن‌ها، نقش کمتری در کاهش فقر و توانمندسازی افراد نیازمند دارند.

نجفی و یعقوبی (۱۳۸٤) در مطالعه میدانی در استان فارس، موضوع مؤسسه‌های مالی رسمی و غیررسمی را تبیین کردند. نتایج نشان می‌دهد که اصلی‌ترین علت دریافت اعتبار کشاورزان از منابع رسمی و غیررسمی اعتباری جهت مصارف تولیدی است. بررسی هزینه‌های پنهان دریافت اعتبار نیز نمایان‌گر این است که هزینه‌های جانبی دریافت اعتبار از بخش رسمی بالاتر از بخش غیررسمی است. همچنین قشرهای کم درآمد روستایی بیشترین سهم دریافت اعتبار را از بخش غیررسمی داشته‌اند و تمایل به همکاری کشاورزان با مؤسسه‌های مالی خرد بیشتر بوده که این امر آمادگی کشاورزان مناطق روستایی جهت تشکیل مؤسسه‌های مالی خرد را نشان می‌دهد.

افتخاری و عینالی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای نشان می‌دهد که اثربخشی منابع اعتباری در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا بسیار بالا است و این توفیق ارائه اعتبارات در توسعه روستایی در توسعه اقتصادی روستایی به‌ویژه در سطوح پروژه‌های خرد را نشان می‌دهد.

میرزا ابراهیم (۱۳۸٤) در مقاله‌ای به بررسی مسؤولیت‌های اجتماعی بانک کشاورزی با تأکید بر ارائه اعتبارات خرد به زنان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بانک کشاورزی از دیدگاه تأمین مالی خرد به انجام مسؤولیت‌های اجتماعی‌اش به خوبی عمل کرده است.

نجفی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای نیز تأمین مالی خرد را کوششی برای بهینه‌سازی دستیابی

فقیران و تهیدستان به خدمات وام و پس‌انداز به شمار آورده است. در این مقاله، تجربه بانک‌های گرامین بانک بنگلادش و راکیات اندونزی در جایگاه موفق‌ترین نهادهای مالی نمونه پرداخت‌کننده اعتبارات خرد، بررسی شده است. حسن‌زاده و ارشدی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای به ارزیابی و تجارب تأمین مالی روستایی در ایران و برخی کشورهای آسیایی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته درصد نفوذپذیری وام‌های پرداخت شده میان خانوارهای روستایی افزایش یافته است. ضمن آن‌که متوسط بازده اعتبارات خرد کمتر از متوسط بازده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بوده؛ ولی اثرگذاری اعتبارات خرد در مقایسه با کلّ اعتبارات پرداختی بر تشکیل سرمایه ناخالص بیشتر است.

عرب‌مازار و فرزین معتمد (۱۳۸۲) شیوه‌های جدید برای تأمین مالی خُرد در جهت توانمندسازی قشرهای کم درآمد به‌ویژه زنان را مطرح کردند. در این مطالعه ضمن مقایسه بین ویژگی‌های طرح‌های اعتباری خرد در بانک کشاورزی، این‌گونه اعتبارات را در چارچوب چهار طرح و برنامه در بانک تحلیل کرده‌اند. در این بررسی، تحلیل عملکرد بانک کشاورزی در زمینه اعتبارات خرد در چارچوب این برنامه‌ها و براساس دسته‌بندی میزان وام پرداختی بانک صورت گرفته است.

فرزین معتمد و نعمتیان (۱۳۸۳) در بررسی‌های خود نشان دادند که اعتبارات خرد به‌صورت خدمتی حمایتی از سوی مؤسسه‌های مالی ارائه می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که تأمین مالی خرد، افزون بر منافعی که از این راه به بانک‌ها می‌رساند، از بازاریابی راهبردی آن‌ها نیز سرچشمه می‌گیرد.

با این وصف، پژوهش‌های انجام شده درباره اعتبارات خرد در جهت رفع فقر و گسترش اشتغال بیانگر آن است که موضوع با نگرش‌های خاص به‌ویژه برای مناطق کم درآمد و روستایی همواره به‌کار گرفته می‌شود و اثرگذاری تأمین مالی خرد برای فقرزدایی و دستیابی برابر کلیه افراد از این امکانات و فرصت‌ها به شیوه‌های چگونگی پرداخت‌ها، فرایند اعطای تسهیلات، نظارت بر حسن انجام فعالیت‌ها و غیره بستگی دارد؛ یعنی این‌که همواره تأمین مالی خرد به کاهش فقر نمی‌انجامد و این موضوع نیز در تجربه دیگر

کشورها ملاحظه می‌شود.

تجارب کشورها و اعتبارات خرد در کاهش فقر

بنگلادش، اعتبارات خرد و فقیران

کشور بنگلادش را می‌توان مبدا تأمین مالی خرد قلمداد کرد. تجربه این کشور در فراهم‌سازی منابع مالی برای واحدهای کوچک، فقیران و گروه‌های خاص به‌ویژه زنان باعث شد که کشورها در اتخاذ راهبرد مناسب برای اعتبارات خرد، تجربه کشور بنگلادش به‌ویژه توفیق گرامین بانک را مورد توجه قرار دهند. برای ارزیابی میزان عملکرد و کیفیت خدمات‌رسانی مالی مؤسسه‌های تأمین مالی خرد در بنگلادش می‌توان به مؤسسه یا طرح‌هایی نظیر گرامین بانک (GB)، کمیته توسعه روستایی بنگلادش (BRAC)، پروژه توسعه روستایی ۱۲ (RDP-12) سازمان نوسازی بنگلادش (BURO)، بنیاد شاکتی (Shakti Foundation)، خدمات روستایی رانجپور دیناجپور (RDRS) و طرح توسعه سیستم‌های کشاورزی حاشیه‌ای و خرد (MSFSCIP) نام برد.

هر چند اهداف تأسیس این مؤسسه‌ها با هم متفاوت است، رویکرد اصلی تأسیس و فعالیت این نوع مؤسسه‌ها حمایت از فقیران و توانمندسازی آنان برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و کسب حداقل درآمد است. تمرکز اصلی این مؤسسه‌ها و به‌ویژه گرامین بانک روی گردهمایی پایین درآمدی (طبقات پایین اجتماعی) است و به دلیل درآمد پایین مشتریان و عدم دستیابی به وثیقه سنتی، وام‌دهی فقط از راه تشکیل گردهمایی با تعهد مشترک که به پس‌انداز اجباری ملزم است صورت می‌گیرد. پرداخت‌ها متکی بر سازوکار گروهی است تا شعبه‌ها به بازپرداخت اعتبار خود اطمینان کنند.

مالزی، اعتبارات خرد و مناطق روستایی

با اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی در کشور مالزی طی سال‌های ۹۵ ـ ۱۹۸۵، به‌رغم گستردگی فقیران در مناطق روستایی، میزان جمعیت فقیر از ٤٥ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت. دو عامل مهم در گسترش اعطای ترکیبات مالی به فقیران به‌وسیله این طرح شامل

حمایت‌های چشمگیر و تأمین مالی دولت و استفاده از راهنمایی‌های کاربردی گرامین بانک است. تجربه نظام پرداخت اعتبار خرد به‌وسیله مؤسسه‌ها و سازمان‌های غیردولتی در کشور مالزی نشان می‌دهد که همانند گرامین بانک، افراد فقیر در قالب گروه‌هایی تقسیم شده و هر گروه بر وام پیشنهادی نحوه هزینه وام نظارت بر وام‌گیرندگان و مسائل خرد و رفاه عمومی اعضا بررسی‌هایی انجام می‌دهد. قابل توجه این‌که وام‌ها بدون هیچ وثیقه، ضامن و بهره و پیگرد قانونی اعطا می‌شود.

جامائیکا و عدم توفیق اعتبارت خرد

در سال ۱۹۸۵ در کشور جامائیکا برنامهٔ مشترکی در قالب اعطای وام کوچک برای آغاز فعالیت خوداشتغالی به‌صورت گروهی و پذیرش مسؤولیت بازپرداخت اعتبار میان افراد تدوین شد که هدف این برنامه، ایجاد اشتغال به‌وسیله کارفرمایان کوچک با راهبرد معیّن حرکت برای دستیابی به شغل‌های مناسب در بخش رسمی اقتصاد به‌ویژه در بخش مدرن بود. عملکرد اعطای وام‌دهی این برنامه نشان می‌دهد که به‌طور عمده اختصاص به جوانان و زنان داشته که برای گسترش و توسعه واحدهای کسب‌وکار به‌کار گرفته شده است؛ اما ارزیابی‌ها نشان از عدم توفیق این برنامه دارد و عمده علل عدم توفیق این برنامه را می‌توان به عدم نظارت دقیق بر اعتبارات اعطایی، عدم توانایی برای اداره کسب‌وکار کوچک که نیاز به نیروی انسانی با مهارت لازم است، عدم توفیق در شناسایی افراد و قدرت بازپرداخت وام نسبت داد.

هند، گروه‌های خودیار و گسترش اعتبارات خرد

تا پیش از آغاز برنامه‌های اصلاحات مالی (دهه ۱۹۹۰)، پرداخت اعتبار و تسهیلات به فقیران در کشور هند به‌صورت برنامه دولتی در قالب یارانه‌ای رایج بود. این دیدگاه میان بسیاری از سیاستمداران و بانکداران حاکم بوده است؛ ولی مقررات‌زدایی نظام مالی توانست چشم‌انداز نظام مالی را به تدریج تغییر دهد؛ برای مثال در نتیجه آزادسازی نرخ‌های بهره، بسیاری از بانک‌ها با حمایت بانک ملّی توسعه کشاورزی و روستایی (Koopervasi kredit Rakyat (KKR)) پیوندهایی را با گروه‌های غیررسمی

خودیاری فقیران به منظور تجهیز سپرده‌های فقر و اعطای اعتبارات به آن‌ها با نرخ‌های مناسب بهره ایجاد کردند.

یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های فقرزدایی در جهان، طرح برنامه توسعه یکپارچه روستایی (IRDP) در هند بود که بیش از ٤٥ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داد. اجرای برنامه‌های پیش‌گفته در جهت فقرزدایی مناطق روستایی و اعطای اعتبارات ارزان قیمت به‌وسیله بانک ملّی توسعه کشاورزی و روستایی هند باعث شد که گروه‌های خودیار در این مناطق شکل گیرند که این امر، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی، درجه پایداری و خودکفایی مؤسسه‌های مالی خرد دارد. از جمله علل این امر جذب بیشتر پس‌اندازها به‌وسیله این مؤسسه‌ها است.

نپال، مؤسسه‌های مالی خرد و برنامه فقرزدایی

نپال کشور فقیری است که از لحاظ اقتصادی به اصلاحات اساسی نیاز دارد. با توجه به عدم توفیق مؤسسه‌های مالی خرد در این کشور، وضعیت برای رشد و شکوفایی مؤسسه‌های غیررسمی فراهم شده است. از جمله مهم‌ترین برنامه‌های فقرزدایی این کشور عبارتند از برنامه توسعه و بهبود وضعیت کشاورزان خرد،* برنامه بانکداری متمرکز** با ۸۵ هزار نفر وام‌گیرنده، اعتبارات تولیدی برای زنان روستایی، اکثر مؤسسه‌های تأمین مالی خرد در کشور نپال خودکفا نبوده و این وضع باعث شده تا قدرت اعتباردهی مؤسسه‌های به افراد نیازمند و فقیر کاهش یابد؛ چرا که متوسط نرخ وام‌دهی این مؤسسه‌ها کمتر از ۱۸ درصد است و از جمله مشکلات این مؤسسه‌ها این است که اولاً مقررات بانک مرکزی نپال تفاوت میان نرخ‌های بهره سپرده و وام را به ٦ درصد محدود می‌کند و ثانیاً اعتبارات ثانیه‌ای در این کشور رواج دارد؛ به‌طوری که بانک‌های تجاری مکلفند ۱۲ درصد ترکیب وام خود را به بخش‌های دارای اولویت در بخش‌های کشاورزی و صنعت خانه‌سازی روستایی و خدمات اختصاص دهند.

---

* National Bank for Agricultural and Rural and Development (NABARD).

** Integrated Rural Development Program (IRDP).

روش تحقیق و وصف داده‌ها

برای نشان‌دادن اثر اعتبارات خرد بر کاهش فقر و افزایش درآمد، سعی شده است از شاخص‌های مرتبط با آن متغیرها استفاده شود. در واقع برای نشان‌دادن نابرابری‌های درآمدی از درآمد سرانه برای کاهش فقر در اقتصاد ایران از یک مدل ادغام داده‌ها بین ۲۸ استان کشور در برخی سال‌های ۸۲ ـ ۱۳۸۰ استفاده شده است.

متغیرهای مورد استفاده در این مدل به شرح ذیل هستند:

Yiy = درآمد سرانه میان مناطق (شاخص نابرابری‌های درآمدی و فقر)

X1it : ابعاد خانوار (شاخص اجتماعی)

X2it: نرخ اشتغال (شاخص اقتصادی و اجتماعی)

X3it: نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات (شاخص اعتبارات خرد)

* $i = ۱...۲۸$ (تعداد استان‌های کشور) و t نشان‌دهنده زمان است که در این مدل $t = ۱.۲.۳$ است.

الگوی تجربی برای برآورد در ایران به شرح ذیل است:

$$Log(Y_{it}) = C_{it} + \beta_{۱it}Log(X_{۱it}) + \beta_{۲it}Log(X_{۲it}) + \beta_{۳it}Log(X_{۳it}) + \varepsilon_{it}$$

درآمد سرانه شاخص مناسبی برای نشان‌دادن وضعیت فقر و نابرابری‌ها در استان‌ها است. در این بررسی مشخص می‌شود که شکاف درآمدی بین استان‌ها در اقتصاد ایران وجود دارد؛ به‌طوری که براساس جدول ۱ استان‌هایی که دارای بالاترین درآمد سرانه و استان‌هایی با درآمد سرانه پایین که اختلاف درآمدی قابل‌توجهی دارند، آمده است:

جدول ۱. درآمد سرانه استان‌ها منتخب سال ۱۳۸۲

شرح	استان	درآمد سرانه (ریال)
چهار استان با بالاترین درآمد سرانه	تهران	۱۶,۸۷۵,۷۳۸
	گیلان	۱۳,۵۸٤,۲۳٤
	قزوین	۱۲,۸٤٦,۷٦۱
	اصفهان	۱۱,۸۰۲,٦۲۰
چهار استان با پایین‌ترین	قم	۷,۰۸۳,۰۳۱

* شایان ذکر است که برای اعتبارات خرد شاخص مناسب‌تری حتی در سایر مطالعات که جامعیت برای تمام استان‌ها را داشته باشد (به‌جز مطالعه میدانی) وجود ندارد که در قالب مدل اقتصادسنجی برآورد شود.

درآمد سرانه	کردستان	٦,٩٢٦,٧٢٠
	هرمزگان	٦,٦٩٤,٧٩٦
	سیستان و بلوچستان	٤,١٠٩,٤٥٩

* مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان‌های کشور سال‌های ۸۲ ـ ۱۳۸۱.

متغیر ابعاد خانوار براساس مبانی نظری می‌تواند بر درآمد سرانه تأثیر منفی داشته باشد؛ بنابراین، یکی از متغیرهای مستقل در این تحقیق، ابعاد خانوار است. این آمار از گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی، بانک مرکزی ایران تهیه شده است. جدول (۲) ابعاد خانوار چهار استان دارای بالاترین و چهار استان پایین‌ترین را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ابعاد خانوار استان‌های گوناگون ایران سال ۱۳۸۲

شرح	استان	ابعاد خانوار
چهار استان با پایین‌ترین ابعادخانوار	تهران	۳/۹
	سمنان	۳/۹
	یزد	۳/۹
	گیلان	۳/۸
چهار استان با بالاترین ابعادخانوار	سیستان و بلوچستان	٦/۲
	ایلام	۵/۲
	هرمزگان	۵/۲
	اردبیل	۵/۱

* مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان‌های کشور، سال‌های ۸۲ ـ ۱۳۸۱.

از سه استان دارای پایین‌ترین ابعاد خانوار، حداقل دو استان (تهران و گیلان) همان استان‌هایی هستند که دارای بالاترین درآمد سرانه هستند و از چهار استان دارای بالاترین ابعاد خانوار حداقل دو استان (سیستان و بلوچستان و هرمزگان) همان استان‌هایی هستند که دارای پایین‌ترین سطح درآمد سرانه بوده‌اند؛ بنابراین، انتظار است که ارتباط ابعاد خانوار و درآمد سرانه منفی باشد.

متغیر دیگری که در این جدول، متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود، نرخ اشتغال

استان‌ها* است. براساس جدول (۳) حداقل یک یا دو استان از هفت استان دارای بالاترین نرخ اشتغال، دارای بالاترین سطح درآمد نیز هستند و حداقل از هفت استان دارای پایین‌ترین نرخ اشتغال (هرمزگان، کردستان و سیستان) دارای پایین‌ترین سطح درآمد سرانه نیز هستند؛ بنابراین، انتظار است که ارتباط بین نرخ اشتغال و درآمد سرانه مستقیم باشد.

جدول ۳. نرخ اشتغال استان‌های منتخب سال ۱۳۸۲ (درصد)

شرح	استان	نرخ اشتغال
هفت استان دارای بالاترین نرخ اشتغال	آذربایجان شرقی	۹٤/۵
	قم	۹۲/۷
	قزوین	۹۲/۳
	مرکزی	۹۲
	خراسان	۹۱/٤
	آذربایجان غربی	۹۱/۲
	سمنان	۹۰/۸
هفت استان دارای پایین‌ترین نرخ اشتغال	هرمزگان	۸٦
	ایلام	۸۵/۵
	کردستان	۸٤/۸
	یزد	۸٤/۱
	خوزستان	۸۰/۹
	سیستان و بلوچستان	۸۰/٦
	لرستان	۷۸/۹

* مأخذ: مرکز آمار ایران.

متغیر سوم، نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات در ۲۸ استان کشور است جدول ٤ هفت استان دارای بالاترین این نسبت و هفت استان دارای پایین‌ترین این نسبت

* برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که از هفت استان دارای بالاترین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه، دست کم دو استان از استان‌های پایین‌ترین سطح درآمدی هستند و از هفت استان دارای پایین‌ترین سطح نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه حداقل دو استان از استان‌های دارای بالاترین سطح درآمد سرانه هستند. این عمل در قسمتی از سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران برای کاهش فقر و ایجاد اشتغال در استان‌های محروم در سال‌های گذشته بوده است.

جدول ٤. نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات در استان‌های منتخب سال (۱۳۸۲)

شرح	استان	نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات (درصد)
هفت استان دارای بالاترین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات	سیستان و بلوچستان	۹/۷
	کهگیلویه و بویر احمد	۷/۹
	کردستان	٦/٥
	لرستان	٦
	هرمزگان	٥/٨
	بوشهر	٥/٧
	فارس	٥/٦
هفت استان دارای پایین‌ترین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات	آذربایجان شرقی	۳/۲
	خوزستان	۳/۱
	یزد	۳
	مازندران	۲/۸
	سمنان	۲/۷
	اصفهان	۲/۲
	تهران	۱/۹

* مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

شایان ذکر است که الگوی یاد شده با استفاده از روش پانل دیتا تخمین زده شده است؛ چرا که تلفیق‌آمارهای سری زمانی (Time Series Data) با آمارهای مقطعی (Cross-Sectional Data) نه‌تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فراهم آورد، بلکه بر مبنای نتایج به‌دست آمده می‌توان استنباط‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی درخور توجهی به عمل آورد. بررسی تفصیلی ادبیات موضوع مربوط به پانل دیتا را می‌توان در مطالعات مادالا (Maddala, 1993)، هسایو (Hsiao, 1986)،

دیلمن (Dielman, 1989)، ماتیاس و سیویستر (Matyas and Sevestre, 1986)، راج و بالتاگ (Raj and Baltagi, 1992) و بالتاگ (۱۹۹۵) یافت. اهمیت مدل‌های پانل دیتا به مدل‌های با برش‌های مقطعی محض (Pure Cross - Section) این است که در این مدل‌ها محقق می‌تواند انعطاف‌پذیری بیشتری در تبیین تفاوت‌های رفتاری فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد. چارچوب اولیه برای این منظور در معادله ذیل ارائه شده است:

$$y_{it} = \alpha + \beta' X_{it} + \varepsilon_{it} + u_i \qquad (۲)$$

به‌طوری که $i = ۱, ۲, ..., n$ و $t = ۱, ۲, ..., T$ است که n تعداد استان‌ها (مشاهدات مقطعی) و T بیانگر تعداد مشاهدات سری زمانی سالانه است. به غیر از عرض از مبدأ، تعداد K متغیر توضیحی در Xit وجود دارد. شایان ذکر است که مدل پانل دیتای پیشین از نوع مدل‌های متوازی (Balanced Panel Data Model) است یعنی در هر n استان تعداد T مشاهده سالانه وجود دارد. در این معادله αi نیز اثر انفرادی یا عرض از مبدأ مختص استان iام است که فرض می‌شود در طول زمان ثابت بماند. در عمل می‌توان تفاوت بین استان‌های گوناگون (یا i معادله گوناگون) را در معادله پیش‌گفته به ترتیب به روش‌های آثار مشترک، (Common Effects) آثار ثابت (Fixed Effects) و آثار تصادفی (Random Effects) مشاهده کرد.*

برآورد مدل

در این قسمت، سه مدل براساس معادله (I) برآورد شده است. هر سه مدل به روش ادغام داده‌های سری زمانی (سه سال) و داده‌های مقطعی (۲۸ استان) انجام شده که نتایج این مدل‌ها در جداول ٦ و ۷ آمده است.

جدول ٦. برآورد مدل ادغام داده‌ها (متغیر وابسته: درآمد سرانه و تعداد مشاهدات ۸۱)
سال ۱۳۸۱

متغیرها	متغیر	مدل اوّل Fixed effect	مدل دوم Random

* برای کسب اطلاعات بیشتر، به منابع اقتصادسنجی مربوط به پانل دیتا مراجعه شود.

			Effect
ضریب ثابت	C	۸/۰٤(۲/۲)	۱۰/۹۵
ابعاد خانوار	X1	-۲/۲۵(-٤/۹)	-۱/٤٤(-٤/۸)
نرخ اشتغال	X2	۲/٤(۳/۳)	۱/۵(۲/۸)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات	X3	-۰/۰۳(-۰/۹۵)	-۰/۰٤(-۱/۲)
R2	ضریب تعیین	٪۸۱	٪۸۰
D.W	شاخص دوربین	۲/۲	۱/۲

* مأخذ: محاسبات تحقیق.
توضیح: اعداد داخل پرانتز نیز نشان‌دهنده آماره t هستند.

براساس جدول (٦) ملاحظه می‌شود که متغیر ابعاد خانوار دارای ضریب منفی بر درآمد سرانه است. متغیر نرخ اشتغال دارای ضریب مثبت بوده و هر دو ضریب از نظر آماری معنادار هستند؛ اما متغیر نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به کلّ تسهیلات دارای ضریب معناداری بر درآمد سرانه نبوده است؛ بنابراین، نتیجه می‌شود طی سال‌های ۸۲ ـ ۱۳۸۰ بین ۲۸ استان کشور تسهیلات قرض‌الحسنه منظور شده، تأثیری بر درآمد سرانه نداشته است؛ پس با توجه به این‌که تسهیلات قرض‌الحسنه شاخص برای اعتبارات خرد در نظر گرفته شده، این متغیر تأثیری بر کاهش فقر در استان‌ها نداشته است. شاید یکی از مهم‌ترین علل عدم تأثیرگذاری آن، نسبت ناچیز این تسهیلات به کلّ تسهیلات است و علل دیگر، انحراف این‌گونه تسهیلات از اهداف خود به فقیران بوده است.

حال برای بررسی بیشتر، مدل موردنظر با ثابت کردن ضرایب هر استان به‌صورت جداگانه برآورد شده که نتایج آن در جدول ۷ آمده است. این جدول نیز نشان می‌دهد که ابعاد خانوار به‌صورت منفی و نرخ اشتغال به‌صورت مثبت بر درآمد سرانه تأثیر می‌گذارد؛ اما تسهیلات قرض‌الحسنه به‌صورت نسبتی از کلّ تسهیلات تأثیری بر درآمد سرانه نداشته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای کاهش فقر (افزایش درآمد سرانه) بهترین روش اعمال سیاست‌های کاهش

ابعاد خانوار و اجرای سیاست‌های افزایش نرخ اشتغال یا کاهش بیکاری است. هر نوع سیاستی که به کاهش بیکاری در استان‌ها بینجامد می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر افزایش درآمد سرانه داشته باشد؛ به‌طور مثال، اعطای تسهیلاتی که به اشتغال بینجامد، این تسهیلات می‌تواند به‌صورت خرد یا کلان باشد و اعطای تسهیلات بدون هدف ایجاد اشتغال نمی‌تواند فقر را کاهش دهد. به‌عبارت دیگر، کاهش فقر در گرو کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال است.

جدول ۷. مدل سوم: برآورد مدل ادغام داده‌ها
(متغیر وابسته درآمد سرانه، تعداد مشاهدات ۸۱، روش تفکیک ضرایب استان‌ها)

متغیر مستقل	ضرایب و (آماره t)
ضریب ثابت	۸/۸۹(۱/۵)
ابعاد خانوار	-۲/۹(-۳/۶)
نرخ اشتغال	۲/۵(۲/۲)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (آذربایجان شرقی)	۰/۲۱(۰/۵۳)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (آذربایجان غربی)	۰/۲۵(۰/٤۸)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (اردبیل)	-۰/۰۷(۰/۰)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (اصفهان)	۰/۹۲(۰/۸۹)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (آیلام)	-۰/۳۷(-۱/۱٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (بوشهر)	۰/۱۵(۰/۷٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (تهران)	-۱/۱۲(-۱/٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (چهارمحال و بختیاری)	-۰/۰۵(-۰/۲۳)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (خراسان)	۰/۲۲(۰/۳۹)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (خوزستان)	۰/۰۳(۰/۲۵)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (زنجان)	-۰/۱۳(-۰/٤۹)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (سمنان)	-۰/۰٦(۰/۲٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه(سیستان)	-۰/۰۹(-۰/٤۳)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (فارس)	-۰/۱٦(-۰/۳٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (قزوین)	۰/۰۸(۰/۳۱)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (قم)	-۰/۲٤(-۰/٦۲)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (کردستان)	۰/۱۳(۰/٦)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (کرمان)	۰/۰۷(۰/۲)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (کرمانشاه)	۰/۰۷(۰/۳۱)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (کهکیلویه و بویراحمد)	-۰/۱۱(-۰/٦۱)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (گلستان)	-۰/۱٦(-۰/۵۵)

نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (گیلان)	-۰/۱۸(-۰/۵۳)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (لرستان)	-۰/۲۲(-۱/۰۵)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (مازندران)	-۰/۰۶(-۰/۱٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (مرکزی)	-۰/۱۵(-۰/٦۲)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (هرمزگان)	۰/۱۲(۰/۵٤)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (همدان)	-۰/۳٤(-۱/۱)
نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه (یزد)	۰/۱۹(۰/۵۱)

مأخذ: یافته‌های تحقیق
توضیح: اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t هستند.

نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

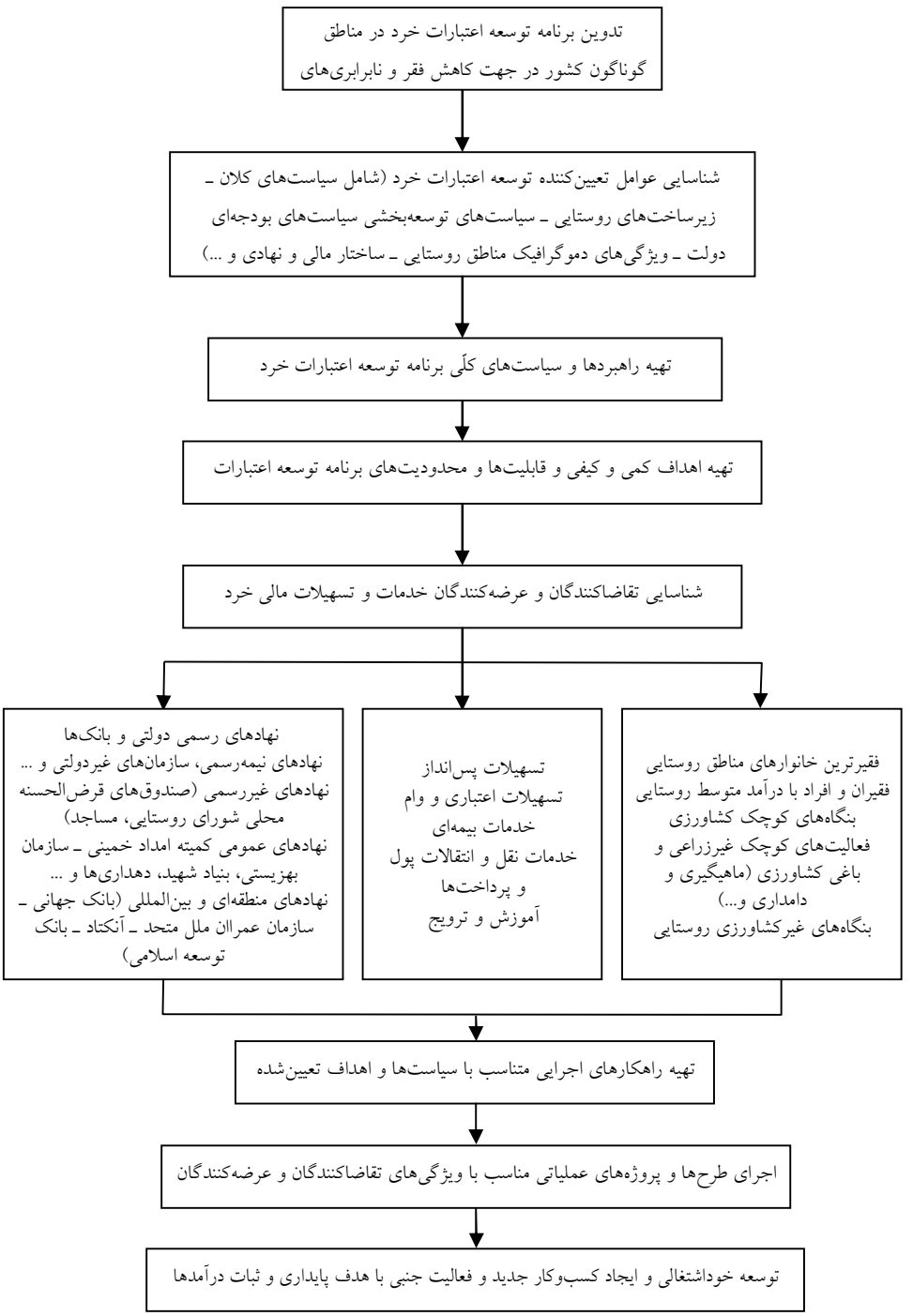
اعطای اعتبارات خرد از چند دهه گذشته به‌صورت نیمه رسمی و غیررسمی در شکل وام‌های قرض‌الحسنه، خود اشتغالی و وام‌های ضرور برای ازدواج و خرید کالاها پرداخت شده است؛ اما آنچه در چارچوب توسعه اعتبارات خرد مهم جلوه می‌کند، این است که اهداف این نوع اعتبارات با دیگر وام‌ها و تسهیلات تا حدودی متفاوت بوده و آن این‌که جنبه‌های برابری‌های اجتماعی و اقتصادی آن بیشتر قابل پیگیری است.

نتایج این مطالعه نشان داد که دستیابی به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون کشور و کاهش فقر خانوارهای کم درآمد و محروم به‌طور عمده از طریق پدید آوردن فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار امکان‌پذیر خواهد شد و ابزار اعطای وام در شکل اعتبارات خرد به تنهایی نمی‌تواند به کاهش فقر در مناطق کشور بینجامد چرا که ممکن است ثبات و پایداری کافی نیابد و در واقع، اعطای این نوع وام‌ها به‌ویژه برای خرید کالاهای مصرفی جریان نیابد و کمترین انحراف را داشته باشد.

حال با توجه به تجربه دیگر کشورها و توصیه سازمان‌ها و نهادهای بین المللی، تبیین دقیق تأمین مالی خرد و اعطای آن به گروه‌های کم درآمد و فقیر به منظور کاهش نابرابری‌ها و همچنین شناسایی گروه‌های هدف و مورد حمایت این نوع اعتبارات ضرور است. در غیر این‌صورت، دستیابی به برابری‌های اجتماعی با استفاده از این ابزار مشکل خواهد بود. دوم، اعتبارات خرد در شکل یک برنامه مسنجم و منظم اجرا نشده، و همواره دستخوش تغییرات نوع و نگرش‌های حاکم بر تصمیم‌گیران اقتصادی بوده است؛ پس در

چنین وضعی تهیه چارچوبی مناسب برای توسعه اعتبارات خرد به‌ویژه برای افراد کم درآمد و فقیر در مناطق روستایی و مناطق حاشیه‌نشین شهری ضرورت دارد که این چارچوب همراه با اهداف و سیاست‌های راهبردی و بسته‌های حمایتی برای فقیران در قالب تأمین مالی خرد باشد (نمودار ب). در این‌صورت نیاز به این است که دولت با همکاری نظام بانکی و نهادهای مالی مرتبط، در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عملیاتی اشتغال‌زایی کوچک به‌صورت خوداشتغالی یا گروهی، نقش بیشتری ایفا کند و پدید آوردن اشتغال برای خانوارهای کم درآمد یا فراهم‌سازی کسب‌وکارهای مرتبط با فعالیت‌های روستایی در دستیابی به کاهش فقر و گسترش عدالت اجتماعی اثرگذار خواهد بود.

نمودار ب: چارچوب برنامه توسعه اعتبارات خرد با هدف ایجاد اشتغال و کاهش فقر



منابع و مآخذ

أ. فارسی

۱. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و عینالی، جمشید، «ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی شهرستان خدابنده)»، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۳٤، بهار ۱۳۸٤ش.

۲. بانک مرکزی ج.ا.ایران، *گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲*، اداره آمار اقتصادی، بی‌تا.

۳. حسن‌زاده، علی و ارشدی، علی، «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی»، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ایران، اوّل، پاییز ۱۳۸۲ش.

٤. حسن‌زاده، علی و قویدل، صالح، «چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، سال سیزدهم، ش ٤۹، بهار ۱۳۸٤ش.

۵. راولز، جان، «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلایی»، مصطفی ملکیان، نقد و نظر، سال دوم، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۷٦ش.

٦. سازمان برنامه و بودجه، توزیع درآمد و راه‌های تحقق عدالت اجتماعی در ایران، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، تیر ماه ۱۳۷٦ش.

۷. عرب‌مازار، عباس و فرزین‌معتمد، ارغوان، «نقش بانک کشاورزی در توانمندسازی

روستاییان با بهره‌گیری از اعتبارات خرد»، فصلنامه پژوهشی بانک و کشاورزی، دوره جدید، ش ۲، زمستان ۱۳۸۲ش.
۸. فرزین‌معتمد، ارغوان و نعمتیان، حمیدرضا، «بازاریابی راهبردی در خدمات نوین بانک کشاورزی با بهره‌گیری از رویکرد تأمین مالی خرد»، فصلنامه پژوهشی بانک و کشاورزی، دوره جدید، ش ۳، بهار ۱۳۸۳ش.
۹. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ش.
۱۰. میرزا ابراهیم تهرانی، فاطمه، «بررسی مسؤولیت‌های اجتماعی بانک کشاورزی با تأکید بر ارائه اعتبارات خرد به زنان»، فصلنامه پژوهشی بانک و کشاورزی، دوره جدید، سال دوم، ش ۸، تابستان ۱۳۸٤ش.
۱۱. نجفی، بهاءالدین و یعقوبی، وحید، «تأمین مالی خرد، راه‌کارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، ش ٤۹، بهار ۱۳۸٤ش.
۱۲. نجفی، بهاءالدین، «تأمین مالی خرد، تجربه‌های جهانی و امکانات توسعه در ایران»، فصلنامه پژوهشی بانک کشاورزی، دوره جدید، ش ۱، پاییز ۱۳۸۲ش.

ب. انگلیسی

1. Asian Development Bank, Finance for the Poor: *Microfinance development Strategy,* ADB, 2000.
2. Gomez. R and Santor. E, *"Do peer group members out perform individual borrowers? A test of peer group lending using Canadian Microcredit data",* working paper, 2003.
3. Lavoic. M, *"Women and Microcredit in Vietnam",* Anthropology department, Laval university, June, 2002.
4. Maclsaac. N, *The role of Microcredit in Poverty Reduction and promoting Gender Equity,* South Asia Partnership Canada, June 12, 1997.
5. Maddala. G, *The Econometrics of panel data,* vol. 1-2 Brookfield, 1993.
6. Raj, B and Bltagi, B, *Panel data Analysis, Heidelberg: Physicaver tag,* 1992.
7. Schreiner. M, *A Framework for the discussion of the social Benefits of Mircofinance,* Center for social development Washington University, June.
8. Weiss. J, Montgomery. H and Kurmanalieva. E, *"MicroFinance and poverty Reduction in Asia: What is the Evidence?"*, ADB Institute, Research paper series. No.53, 2003.